

An Investigation of the Effect of Markazi Province NGOs' Social Capital on Democracy

Mitra Bayat¹, Hassan Kheiri^{2*}, Mohammad Hossein Puryani³

1. Ph.D. Student, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Naragh Branch, Naragh, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Naragh Branch, Naragh, Iran

3. Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Naragh Branch, Naragh, Iran

(Received: April 11, 2020; Accepted: October 6, 2019)

Abstract

One of the key factors that influences democracy is social capital. The current study seeks to investigate the effect of social capital of Non-Governmental Organizations of Markazi province in Iran on democracy. The intended indicators of social capital are social trust, participation, and cohesion. To this end, the theories of Putnam, Coleman, and Fukuyama have been used. In addition, data collection was done through survey (using a questionnaire) and document analysis (using books and articles). Then, using Amos software and structural equation modeling, confirmatory factor analysis was performed, while the descriptive statistics were obtained using SPSS software. The Cronbach's alpha for 22 items was found to be 0.929, which is an acceptable rate of reliability. The statistical population included the members of Markazi province NGOs (1304 individuals), out of which a sample of 384 participants was selected using stratified random sampling based on the Cochran formula. The findings of the study revealed that the social capital of Markazi province NGOs has a positive and significant effect on democracy. It plays an important role in realizing the socio-cultural forefront of the Revolution, creating democratic institutions and developing a civil society, and synergizing all capacities to organize the political objectives of Iran, fight enemies, and face challenges ahead. NGOs should attract and use talented and young individuals to reach their goals. They should also have mutual relationships with various networks, organizations, governmental organizations, and different layers of people.

Keywords

Social capital, Social trust, Social participation, Democracy, NGO

* Corresponding Author, Email: hassan.khairi@gmail.com

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی شکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی بر مردم‌سالاری

میترا بیات^۱، حسن خیری^{۲*}، محمدحسین پوریانی^۳

۱. دانشجوی دکترا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

۲. دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

۳. استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳)

چکیده

از عوامل تأثیرگذار بر مردم‌سالاری عامل بسیار مهم سرمایه اجتماعی است. پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی شکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی بر مردم‌سالاری انجام شد. شاخص‌های مورد نظر سرمایه اجتماعی اعتماد، مشارکت، و انسجام اجتماعی بودند. برای دستیابی به این هدف، از دیدگاه پاتنام و کلین و فوکویاما و از روش پیمایشی (با ابزار پرسشنامه) و اسنادی (با استفاده از کتاب‌ها و مقالات) بهره گرفته شد و با استفاده از نرم‌افزار آموس و مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل عاملی تأییدی انجام گرفت و به کمک نرم‌افزار SPSS شاخص‌های توصیفی به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای ۲۲ گویه ۰/۹۲۹ و دارای پایایی قابل قبول بود. جامعه آماری اعضای تشکلهای مردم‌نهاد استان مرکزی (۱۳۰۴ نفر) بودند و از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده استفاده شد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به طور سخت‌گیرانه ۳۸۴ نفر بود. یافته پژوهش این بود که سرمایه اجتماعی تشکلهای مردم‌نهاد استان مرکزی بر مردم‌سالاری تأثیر مثبت و معنادار می‌گذارد و برای تحقق جبهه فرهنگی-اجتماعی انقلاب و هم‌افزایی استعدادها و ظرفیت‌ها به منظور سامان دادن به اهداف سیاسی نظام و مبارزه با دشمنان و شفاف‌سازی چالش‌های پیش رو و ایجاد نهادهای دموکراتیک و توسعه جامعه مدنی نقشی مهم ایفا می‌کند. در این زمینه باید از نیروهای مستعد و جوان استفاده کرد. آن‌ها باید از سرمایه خود برای پیشبرد اهدافشان نهایت بهره را ببرند و با شبکه‌ها و تشکلهای متفاوت و سازمان‌های دولتی و آحاد مردم روابط متقابل برقرار کنند.

کلیدواژگان

اعتماد اجتماعی، تشکلهای مردم‌نهاد، سرمایه اجتماعی، مردم‌سالاری، مشارکت اجتماعی.

مقدمه

با توجه به اهمیت مردم‌سالاری در یک نظام سیاسی، شناخت عوامل تأثیرگذار بر رشد و گسترش آن ضرورت دارد. یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در این زمینه سرمایه اجتماعی است. امروزه، اکثر جوامع دولت یا حاکمیت دموکراتیک را بهترین و مناسب‌ترین نوع حاکمیت می‌دانند. بدون شک وجود افرادی که خود را در زمینه سرنوشت جامعه خود مسئول بدانند و در امور گوناگون مربوط به آن مشارکت کنند ضامن بقای آن جامعه است (فتحی و واحد چوکده ۱۳۸۵: ۴۳). شرکت فعالانه بدنه جامعه در امور اجتماعی عامل فروپاشی حکومت‌های استبدادی در بیشتر کشورهای اروپایی بوده است. داشتن یک جامعه سیاسی سالم و دستیابی به توسعه سیاسی در گرو داشتن شهروندانی فعال در عرصه اجتماع است که با حضور چشمگیر خویش در عرصه‌های گوناگون جامعه در مسیر تحکیم یک نظام مبتنی بر دموکراسی گام بردارند (میرابراهیمی ۱۳۸۱: ۸). در همه کشورهای در حال توسعه، در کنار سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی، که مسئولان جامعه در جهت انباشت و به‌کارگیری آن‌ها تلاش می‌کنند، سرمایه اجتماعی با رنگ‌وبویی تازه‌تر و امروزی‌تری به نظر می‌آید و باید برای رسیدن به نوع نهادینه آن تلاش کرد. هر جامعه‌ای که بتواند این سه نوع سرمایه را به شکل مناسب درون خود ذخیره کند به راحتی می‌تواند قدم‌هایی مؤثر جهت توسعه بردارد (ازکیا و همکاران ۱۳۸۹: ۲۵۶). همان‌طور که در بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی خویش مشارکت دارند و این موضوع مردمی بودن جمهوری اسلامی را می‌رساند.

بیان مسئله

سرمایه اجتماعی یکی از عوامل تأثیرگذار بر مردم‌سالاری است که اخیراً به منزله یک عامل مهم و کلیدی در جهت توسعه توجه صاحب‌نظران و عالمان، به‌خصوص علوم انسانی، را به خود جلب کرده است. بنابراین، شناسایی سرمایه اجتماعی و تعیین میزان تأثیر آن بر مردم‌سالاری حائز اهمیت است و موضوعی است که اینجا باید به آن اشاره شود. اما از آنجا که این مفهوم در ایران، به‌رغم اهمیت فراوانش، به منزله یک عامل مهم در توسعه، چندان مورد توجه قرار نگرفته، تحقیقات بیشتر در این زمینه می‌تواند باعث توجه بیشتر به این عامل توسعه‌ای مهم شود. تا امروز مباحث در زمینه مفهوم

«سرمایه اجتماعی» در جامعه ما به شکلی از هم‌گسیخته مطرح شده و بدون در اختیار داشتن منابع کافی و منسجم به نتایج پراکنده و ناقص انجامیده و نتوانسته به پرسش‌های زیادی که در ارتباط با کاربرد این مفهوم در کشورهای نظیر ایران وجود دارد پاسخ دهد (تاج‌بخش ۱۳۸۴: ۸). مبحث سرمایه اجتماعی بسیار گسترده است؛ طوری که شناخت آن و آگاهی از تأثیرش بر مردم‌سالاری نیازمند مطالعات دقیق‌تر و بررسی‌های بیشتر است. سرمایه اجتماعی زیربنای توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی هر جامعه است و دربرگیرنده معانی و مفاهیمی که اگر به آن توجه شود، می‌تواند توسعه و ثبات یک جامعه را تضمین کند. با افزایش سرمایه اجتماعی میان افراد جامعه شاهد گسترش روزافزون ارزش‌های دموکراتیک و در نتیجه مشارکت فعال در جامعه، در کنار رشد و توسعه سیاسی، خواهیم بود. ازین‌رو، محققان در تحقیق حاضر درصدد برآمدند تا با بهره‌گیری از الگویی نظری تأثیر سرمایه اجتماعی بر مردم‌سالاری را به‌دقت واکاوی کنند و به بررسی و شناسایی سه مؤلفه سرمایه اجتماعی تشکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی و تأثیر آن‌ها بر میزان مردم‌سالاری بپردازند.

فرضیه‌های تحقیق

۱. اعتماد اجتماعی تشکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی بر مردم‌سالاری تأثیر مستقیم می‌گذارد.
۲. مشارکت اجتماعی تشکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی بر مردم‌سالاری تأثیر مستقیم می‌گذارد.
۳. انسجام اجتماعی تشکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی بر مردم‌سالاری تأثیر مستقیم می‌گذارد.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یکی از شاخصه‌های مهم رشد و توسعه در هر جامعه است. شرط لازم برای پیشرفت جامعه توسعه همه‌جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی، و اعتماد متقابل اجتماعی است (ازکیا و همکاران ۱۳۸۹: ۲۵۳). به باور پاتنام، سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی، نظیر اعتماد و هنجارها و شبکه‌ها، است که می‌توانند با ایجاد امکانات هماهنگ کارآیی جامعه را بهتر کنند (پاتنام ۱۳۸۰: ۲۵۱). پاتنام و همکارانش بر آن بودند که شهرها، مناطق، و کشورهایی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند نسبت به مکان‌هایی که سرمایه اجتماعی پایینی دارند به دموکراتیک بودن متمایل‌ترند (Leighninger, 2006: 50).

اعتماد اجتماعی

اعتماد عبارت است از تمایل به خطرپذیری در بطن اجتماعی، بر اساس حس اعتماد به دیگران. دیگران بر اساس انتظار ما پاسخ می‌دهند و به روش‌های حمایتی دوجانبه عمل می‌کنند یا لاقصد آزار ندارند. اعتماد یک پدیده حساس و شکننده است و به وجود آمدن آن به زمان زیادی نیاز دارد. اعتماد باعث به وجود آمدن اعتماد می‌شود (رحمانی و کاوسی ۱۳۸۷: ۵۲). اعتماد یک ویژگی فردی و شخصیتی است. اعتماد یک تلفیق مفهومی است که در ارتباط بسیار نزدیک با مفاهیمی مانند وفاداری، دگرخواهی، صداقت، و نوع دوستی قرار می‌گیرد (قدیمی ۱۳۸۶: ۳۳۱-۳۳۲). اعتماد به یک‌دیگر شرط روابط ثانویه است که به سهم خود برای مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر است (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۶۴). مطالعه اعتماد اجتماعی، در جایگاه یک مکانیسم اجتماعی، تعاملات اجتماعی انسان‌ها را به وسیله انگیزه‌ها، احساسات، و باورهای آنان بررسی می‌کند (Misztal 1996: 15). جانسون بر این باور است که در یک رابطه مبتنی بر اعتماد (اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد) این عناصر وجود دارند: صراحت و باز بودن، سهیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری‌جویانه، رفتار مبتنی بر اعتماد، رفتار قابل اعتماد، اعتمادکننده بودن، و قابلیت اعتماد داشتن (Johnston et al 1993: 66).

مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی از دیدگاه توسلی عبارت است از مشارکت کم‌وبیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، قبول مسئولیت‌های سیاسی و مدنی و اجتماعی. و در این صورت میزان مشارکت، اغلب، شکلی از قدرت را مشخص می‌سازد (توسلی ۱۳۸۲: ۶۷). محسنی و جاراللهی مشارکت اجتماعی را مشارکتی می‌دانند که آگاهی، داوطلبانه بودن، و غیر حکومتی بودن از خصایص عمده آن است. به باور ایشان مشارکت اجتماعی حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را دربرمی‌گیرد؛ مثل عضویت، همکاری، و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها و تشکل‌های دولتی و غیر دولتی و مشارکت اجتماعی مبتنی بر فرایندی است که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود (محسنی و جاراللهی ۱۳۸۲: ۱۲).

انسجام اجتماعی

انسجام در اجتماع یعنی استفاده از امکانات موجود در اجتماع، حضور در رویدادهای اجتماعی، حس تعلق به اجتماع، ادراک فرد در خصوص دوستی از سوی اجتماع، و میزان شبکه‌های دوستی در محل (غفاری ۱۳۹۰: ۲۳۸). انسجام اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بدین شرح است که یک ملت همه آرمان‌های بزرگ خود را در سایه وحدت ملی می‌تواند به دست آورد. همکاری، همدلی، بازو به بازو دادن، دل‌ها را به یک‌دیگر مرتبط کردن، و به سمت هدف‌های والای این ملت پیش رفتن برای بهروزی و پیشرفت کشور لازم است (خامنه‌ای ۱۳۹۰: ۱۹۴). مراد از وحدت و انسجام از دیدگاه ایشان همکاری افراد با یک‌دیگر و عدم برخورد با ضدیت است و اینکه افراد یک‌دیگر را نفی و دشمن را بر یک‌دیگر مسلط نکنند (خامنه‌ای ۱۳۸۶: ۲۱).

مردم‌سالاری

مردم‌سالاری نظام حکومتی است که در آن رهبران در انتخابات دموکراتیک انتخاب می‌شوند، احزاب و کاندیداهای زیادی مشارکت می‌کنند و احزاب مختلف در صورت کسب پشتیبانی عمومی می‌توانند به قدرت برسند (نیوتون و دث ۱۳۸۹: ۲۷). دموکراسی سیاست جدید قرن حاضر و چندظرفیتی است (Desai 2007: 1). دموکراسی‌ها یکصد سال پیش، در جنگ برخلاف توتالیتراها و رژیم‌های سرکوبگر دیگر، می‌خواستند جهانیان را متقاعد کنند که آن‌ها طرفدار روش بهتر زندگی هستند؛ یعنی بهبود اقتصادی و آزادی (Levine 2007: 73-74). همه انواع دموکراسی یک دیدگاه مشترک دارند؛ روند تصمیم‌گیری افراد یک جامعه باید به گونه‌ای باشد که منافع همه را دربرگیرد (Goodin & Pettit 1993: 411). به باور مارتین لیپست، شخصیت دموکراتیک شخصیتی است که فعالانه در سیاست دموکراتیک، محل کار، و انجمن‌های داوطلبانه مشارکت می‌کند. مفهوم شخصیت دموکراتیک در سیاست و حکومت، در کسب‌وکار، در سازمان‌های غیرانتفاعی، و در خانوار و خانواده ظاهر می‌شود (لیپست ۱۳۸۳: ۹۴۳). به باور آیت‌الله مصباح یزدی، دموکراسی و نقش و مشارکت جدی مردم با رعایت حدود و قیودی که اسلام معین می‌کند و انتخاب کسانی که شرایط و ویژگی‌های تعیین‌شده دارند در کشور ایران اعمال می‌شود؛ مانند انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات ریاست‌جمهوری، انتخابات خبرگان رهبری، و انتخابات

شوراها (مصباح یزدی ۱۳۹۱: ۲۹۷). ایشان بر آن‌اند وقتی انتخابات بر اساس دین باشد مردم وظیفه شرعی خود می‌دانند کسی را که اصلح است انتخاب کنند و این یعنی مردم‌سالاری دینی (صنعتی ۱۳۸۹: ۶۴۵-۶۴۶). به نظر ایشان، مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، آنجا که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ بنابراین، تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. در نظام جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری یک وظیفه دینی است (خامنه‌ای ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۵). مردم‌سالاری مطلوب امام خمینی^(ره) حکومتی است که برای رضای خدا به جلب رضایت مردم بپردازد، مقبول مردم باشد، به آرا و افکار عمومی احترام بگذارد، در برابر خواسته‌های شرعی و قانونی مردم تسلیم باشد، و مشارکت مردم در مسائل کشور را پذیرفته باشد (خمینی ۱۳۷۸: ج ۱۷، ۱۶۱ و ج ۸، ۲۰۱).

تشکل‌های مردم‌نهاد (سازمان‌های غیر دولتی / سمن‌ها / NGOs)

سازمان مردم‌نهاد سازمانی است که: ۱. بر اساس توافق‌نامه بین‌المللی به وجود نیامده باشد؛ ۲. دارای تخصص یا منافع مرتبط با نهادهای بین‌المللی باشد؛ ۳. دیدگاه‌ها و پیشنهادهايش مستقل از دولت‌های ملی باشد (بتسیل و گِرل ۱۳۹۶: ۳۰). به نظر معماریان، سازمان‌های غیر دولتی که از نیروهای داوطلب و نیمه‌داوطلب، کمک‌های مردمی افراد خیر و بنیادها، بخش خصوصی، و در نهایت از سرمایه اعتماد مردم برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند ناگزیر باید بتوانند به نحو مطلوب خود را به مخاطبان خویش و به صورت کلی به گروه‌های ذی‌نفع معرفی کنند و آنان را برای همکاری، حمایت، پشتیبانی، و حتی عضویت در سازمان ترغیب و تشویق کنند (معماریان ۱۳۸۳: ۱۵-۱۶). سازمان‌های غیر دولتی سازمان‌هایی رسمی‌اند که نه قسمتی از دولت‌اند نه شرکت‌های تجاری بدون سود و تعداد آن‌ها بی‌شمار است؛ هر چه، از پیشاهنگی تا سازمان‌های حقوق بشر و از گروه‌های خودیاری تا احزاب سیاسی (Butcher 2007: 7-8). جامعه مدنی در صورتی می‌تواند یک سازمان غیر دولتی تلقی شود که فعالیت‌های حمایتی آن صرفاً بر خدمت‌رسانی متمرکز شود (Blair 1997: 23-25). ویژگی‌های سازمان‌های غیر دولتی عبارت‌اند از: ۱. غیر انتفاعی بودن؛ ۲. نداشتن وابستگی به دولت؛ ۳. داوطلبانه بودن؛ ۴. برخوردار بودن از شخصیت حقوقی؛ ۵. داشتن مدیریت دموکراتیک و مشارکتی؛ ۶. خودگردان بودن؛ ۷. غیر سیاسی بودن (سعیدی ۱۳۹۱: ۲۴-۲۵).

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

پژوهش حسنی نشان داد تغییرات سرمایه اجتماعی در ایران، پی‌درپی روندی افزایشی و کاهشی داشته است؛ البته، طی سی سال اخیر، سرمایه اجتماعی در ایران در مجموع کاهش یافته است (حسنی ۱۳۹۴: ۱). یافته‌های بوستانی نشان داد اعتماد اجتماعی افراد با سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌ها، به استثنای چند مورد، وضعیت مطلوبی ندارد. عضویت افراد در سازمان‌ها و انجمن‌ها و همکاری با شبکه‌های اجتماعی بسیار ضعیف است و با توجه به ضعف بنیان‌های سرمایه اجتماعی شاخص‌های توسعه سیاسی نیز وضعیت مطلوبی ندارند (بوستانی ۱۳۸۶: ۱). عظیمی در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که شهروندی دموکراتیک از ملزومات اساسی جوامع خواهان دموکراسی واقعی است و یکی از عوامل تثبیت و گسترش شهروندی دموکراتیک سرمایه اجتماعی است (عظیمی ۱۳۹۱: ۱). رایس و لینگ بر ماندگاری و دوام سرمایه اجتماعی تأکید کرده‌اند و بر آن‌اند که سرمایه اجتماعی آثاری انکارناپذیر بر دموکراسی و پیشرفت اقتصادی می‌گذارد. آن‌ها نشان دادند که سرمایه اجتماعی بادوام و قابل انتقال است و یکی از مؤلفه‌های مهم پیش‌بینی‌کننده دموکراسی (Rice & Ling 2002: 307). نتایج پژوهش هیونجون نشان داد سرمایه اجتماعی شامل اعتماد عمومی و اطمینان به دولت و مشارکت مدنی است. این یافته نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی مرتبط است (Hyungjun 2001: 13). جکمن و میلر سرمایه اجتماعی را یکی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی معرفی کرده‌اند (Jackman & Miller 1998: 47). تنی و هنکوینت اعلام کردند سرمایه اجتماعی ظرفیت تحرک سیاسی را بالا می‌برد (Teney & Hanquinet 2009: 1). با توجه به اینکه تا کنون در خصوص تأثیر سرمایه اجتماعی تشکل‌های مردم‌نهاد بر مردم‌سالاری تحقیقی صورت نپذیرفته، محققان از تحقیقات یادشده کمک گرفتند تا تأثیر این پدیده را بررسی کنند. به طور کلی، در اکثر تحقیقات تأثیر سرمایه اجتماعی بر مردم‌سالاری ثابت شده است و در این خصوص تا حدود زیادی اتفاق نظر وجود دارد. اما، در یکی از پژوهش‌ها آمده در سی سال اخیر سرمایه اجتماعی در ایران کاهش یافته است. ازین‌رو، محققان در پژوهش پیش‌رو درصدد برآمدند همین راه را بپیمایند و پژوهش‌های قبلی را تکمیل کنند تا، برخلاف نتایج بعضاً ضد و نقیض، به نتیجه جدیدی برسند. امید است مبنایی برای پژوهشگران آتی باشد.

نظریه پردازان زیادی در طول زمان تلاش کرده‌اند مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را شناسایی و تجزیه و تحلیل کنند؛ از آن‌ها می‌توان به بوردیو^۱، کلمن^۲، پاتنام^۳، فوکویاما^۴، دوتوکویل^۵، و... بنابراین، محققان، در پژوهش حاضر، نظریات سرمایه اجتماعی را بررسی و شاخص‌هایی از این نظریات استخراج کردند. سپس بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و مردم‌سالاری با توجه به مبانی تئوریک پژوهش ارتباط برقرار کردند. در نهایت، از ترکیب چند نظریه (پاتنام، فوکویاما، کلمن) و از رویکرد تلفیقی ساختارگرایی کارکردی و سرمایه اجتماعی ناظر به نهادها بهره بردند.

سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام

پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم- مانند هنجارها، اعتماد، شبکه‌ها- می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک جامعه می‌شود و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تأمین می‌کند. از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه منبعی است که در کنش‌های اعضای جامعه وجود دارد (پاتنام ۱۳۸۰: ۱۶۷). ویژگی‌هایی که به باور پاتنام همکاری متقابل را تسهیل می‌کنند عبارت‌اند از: ۱. هنجارهای معامله متقابل: هنجارها هنگامی به وجود می‌آیند که یک عمل نتایج مشابه برای تعدادی دیگر از افراد دارد (پاتنام ۱۳۸۰: ۲۳۹). هنجارها از طریق سرمشق شدن، اجتماعی شدن، آموزش مدنی، و نیز از طریق مجازات‌ها در افراد جامعه تلفیق می‌شوند (پاتنام ۱۳۸۰: ۳۰۹). در جوامعی که ارزش‌ها و هنجارها تأثیر کمی دارند مشارکت نیز کم است (Gerber & Rogers 2009: 180)؛ ۲. اعتماد اجتماعی: اعتماد تقویت همکاری را به دنبال دارد و همکاری تقویت اعتماد را. این دو از هم تأثیر می‌پذیرند؛ ۳. شبکه‌های اجتماعی: ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی باعث تعامل اجتماعی همراه سطح بالایی از همکاری، اعتماد به معامله متقابل، مشارکت مدنی، و رفاه جمعی می‌شود (پاتنام ۱۳۸۰: ۳۱۰).

-
1. Bordio
 2. Coleman
 3. Putnam
 4. Fukuyama
 5. De Tocqueville

سرمایه اجتماعی از نظر فوکویاما

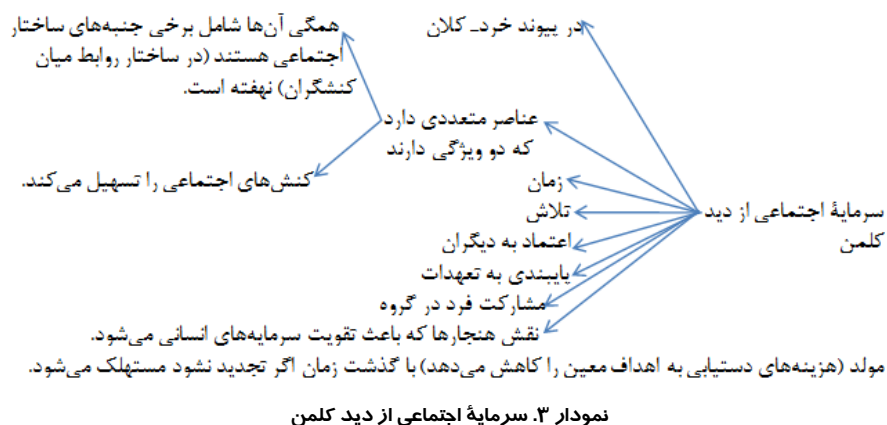
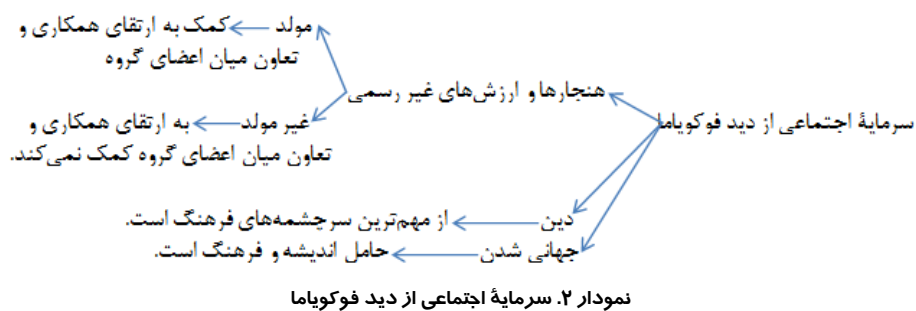
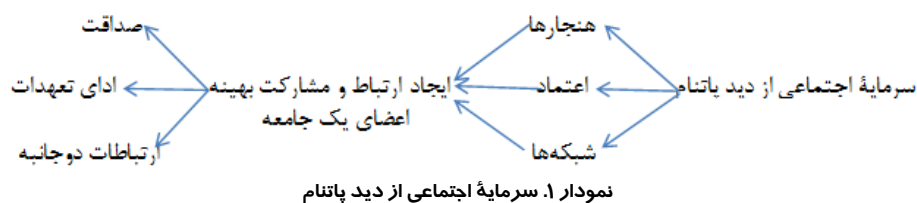
فوکویاما در تعریف سرمایه اجتماعی می‌گوید: «سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای معین از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آن‌ها مجاز است در آن سهیم‌اند. البته مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود. چون این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند» (فوکویاما ۱۳۷۹: ۲). فوکویاما، در رابطه با سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی را به دو بخش تقسیم می‌کند: ۱. هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی که منجر به ارتقای همکاری میان اعضای گروه می‌شود و شامل خصوصیاتمانند صداقت، ادای تعهدات، و ارتباطات دوجانبه است؛ ۲. هنجارهای غیر مولد که برخلاف هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه کمک نمی‌کند (فوکویاما ۱۳۷۹: ۱۲).

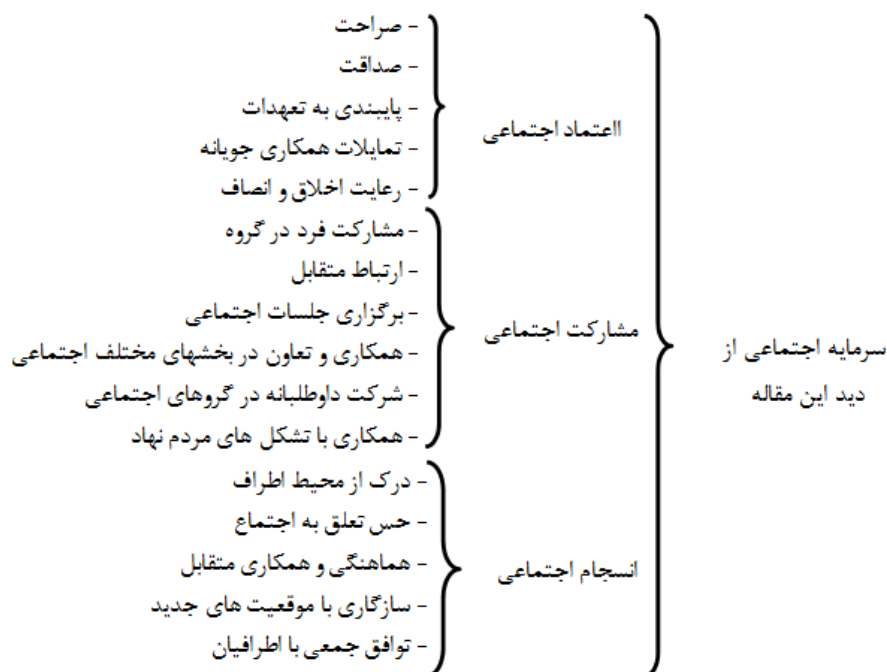
سرمایه اجتماعی از نظر کلمن

کلمن بر این باور است که سرمایه اجتماعی در روشن ساختن یکی از مشکلات مهم تحلیل اجتماعی یا آنچه پیوند خرد-کلان نام دارد یا به عبارت دیگر پیوند رفتار فرد با متغیرهایی که در سطح ساختار عمل می‌کنند سودمند است. ویژگی‌های مشترک عناصر متعدد سرمایه اجتماعی به باور کلمن عبارت‌اند از: ۱. همگی شامل برخی جنبه‌های ساختار اجتماعی‌اند؛ ۲. سرمایه اجتماعی کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند (فوکویاما ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲). به نظر وی، سرمایه اجتماعی یکی از شکل‌های سرمایه است که با گذشت زمان مستهلک می‌شود. اگر روابط اجتماعی حفظ نشود، به تدریج از بین می‌رود. با گذشت زمان، انتظارات و تعهدات ضعیف و ناپدید می‌شود. هنجارها به ارتباط منظم بستگی دارند (کلمن ۱۳۷۷: ۴۹۱).

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریات پاتنام و فوکویاما و کلمن و رویکرد تلفیقی ساختارگرایی کارکردی و سرمایه اجتماعی ناظر به نهادها شکل گرفته و مدل تحلیلی ارائه شده بر این مبناست که سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی) حاصل از تشکلهای مردم‌نهاد، هر کدام به چه میزان موجب افزایش مردم‌سالاری می‌شود و اصول مردم‌سالاری که شامل رضایت عامه، مشارکت همگانی، برابری همه در برابر قانون، آزادی بیان و حاکمیت قانون می‌باشد مورد ارزیابی قرار گیرد.

با توجه به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مورد بررسی در این تحقیق، محققان در نظر داشتند به طور تلفیقی از نظریات پاتنام و کلمن و فوکویاما، که در خصوص اعتماد و مشارکت و انسجام تحقیق کرده‌اند، استفاده کنند.





نمودار ۴. سرمایه اجتماعی از دید این پژوهش

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، بر اساس هدف، توسعه‌ای و نوع داده‌ها کمی- کیفی بود. روش جمع‌آوری اطلاعات هم پیمایشی با ابزار پرسشنامه (ترکیبی از سؤال‌های باز و بسته) هم اسنادی (کتابخانه‌ای) با استفاده از کتاب‌ها و مقالات (در روزنامه‌ها، مجلات، اینترنت) بود و با استفاده از نرم‌افزار آموس و مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل عاملی تأییدی انجام شد و به کمک نرم‌افزار SPSS شاخص‌های توصیفی به دست آمد. موضوع یا مسئله تحقیق تحلیلی و همبستگی (رابطه‌ای) است. جامعه آماری تحقیق اعضای مؤسس تشکل‌های مردم‌نهاد (اعم از زن و مرد) ساکن استان مرکزی بودند که بر اساس آمار تعداد آن‌ها ۱۳۰۴ نفر بود (فتح‌آبادی و همکاران ۱۳۹۴: ۱۹۵). تشکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی شامل هشت شبکه و به ترتیب درصد تعداد اعضای مؤسس آن‌ها بدین شرح بود: ۱. شبکه خیرین ۲۵/۳ درصد؛ ۲. شبکه اجتماعی ۱۸ درصد؛ ۳. شبکه پیگیری، کاهش

آسیب، و درمان اعتیاد ۱۳/۸ درصد؛ ۴. شبکه علمی، جوانان، و کارآفرینی ۱۰/۴ درصد؛ ۵. شبکه معلولان ۱۰/۲ درصد؛ ۶. شبکه سلامت ۹/۹ درصد؛ ۷. شبکه منابع طبیعی و محیط زیست ۶/۸ درصد؛ ۸. شبکه فرهنگ و هنر ۵/۷ درصد (فتح‌آبادی و همکاران ۱۳۹۴: ۲۵). در تحقیق حاضر، از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده استفاده شد. سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و مردم‌سالاری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد.



نمودار ۵. تأثیر سرمایه اجتماعی بر مردم‌سالاری

برای انتخاب حجم نمونه بین افراد، از فرمول عمومی کوکران استفاده شد؛ که در آن احتمال وجود سرمایه اجتماعی و نبود آن ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود. حجم نمونه در این تحقیق، بر اساس فرمول کوکران، به طور سخت‌گیرانه، ۳۸۴ نفر بود. گویه‌های پرسشنامه، با توجه به فرضیه‌ها و با استفاده از دیدگاه نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی) و مردم‌سالاری، به صورت محقق‌ساخته با همکاری متخصصان مربوطه تنظیم شد. این پرسشنامه شامل ۲۲ گویه است. شش گویه اعتماد اجتماعی را از طریق بررسی صراحت، صداقت، پایداری به تعهدات، و تمایلات همکاری‌جویانه می‌سنجند. شش گویه مشارکت اجتماعی را با بررسی مشارکت فرد در گروه، ارتباط متقابل، برگزاری جلسات اجتماعی، همکاری و تعاون در بخش‌های مختلف اجتماعی، و شرکت داوطلبانه در گروه‌های اجتماعی بررسی می‌کنند. پنج گویه انسجام اجتماعی را با بررسی میزان درک از محیط اطراف، حس تعلق به اجتماع، هماهنگی و همکاری متقابل، و سازگاری با موقعیت‌های جدید می‌سنجند. و پنج گویه با بررسی دستیابی به مشروعیت، افزایش انتخابات رهبران توسط مردم، تصمیم‌گیری سازمانی، تشکیل تجمعات اعتراضی، افزایش آزادی بیان، و دستیابی به توسعه پایدار میزان مردم‌سالاری تشکیل‌ها را مشخص می‌کنند. روایی ابزار پژوهش حاضر از طریق اعتبار سازه‌ای و صوری به دست آمد. همه گویه‌های

استخراج شده در اختیار چند تن از استادان و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. اشتراک نظر آن‌ها، مبنی بر معتبر بودن سنجه، مورد نظر بود. پرسشنامه این تحقیق برای سنجش آنچه پژوهش سعی در یافتن آن داشت، با توجه به نظر استادان و صاحب‌نظران و مبانی نظری که در پیشینه تحقیق آمده، طراحی و تنظیم شد. برای تدوین پرسشنامه، ابتدا گویه‌های پرسشنامه تأثیر سرمایه اجتماعی بر مردم‌سالاری، با توجه به سه شاخص مورد نظر، با همکاری متخصصان مربوطه، ساخته شد و پس از ساخته شدن، از نظر مفهومی و دقت و به‌کارگیری کلمات معادل و جمله‌بندی مناسب، روایی محتوایی آن را چند تن از متخصصان جامعه‌شناسی مقایسه و بازبینی کردند. برای رفع نواقص و ابهامات مفهومی و رسیدن به ترکیب‌بندی ساده و کم‌نقص، پرسشنامه را یک گروه سی نفره از اعضای تشکلهای مردم‌نهاد تکمیل کردند. سپس از آنان خواسته شد نظر خود را اعلام کنند و کلمات و نکات مبهم را، که احتمال دارد مخاطب را دچار اشتباه کند، علامت بزنند و توضیح دهند. بر اساس این داده‌ها، پرسشنامه چندین بار بازبینی شد. در این پژوهش، به منظور تعیین پایایی مقدماتی، برای سی نفر از افرادی که عضو جامعه آماری بودند پیش‌آزمونی به طور تصادفی اجرا شد. نتیجه این پردازش نشان داد ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده به عدد ۰/۹۱۷+ نزدیک است و به حذف هیچ‌یک از گویه‌های پرسشنامه نیاز نیست. از جدول ۱ می‌توان استنباط کرد که پرسشنامه استفاده‌شده در پژوهش پایایی بالایی دارد و همه ضرایب آلفای همه گویه‌ها بیشتر از ۰/۷ است. بنابراین، آزمون از پایایی قابل قبول برخوردار است.

جدول ۱. نتایج پایایی گویه‌ها

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
اعتماد اجتماعی	۶	۰/۹۰۷	مردم‌سالاری	۵	۰/۹۱۷
مشارکت اجتماعی	۶	۰/۸۷۱	کل سؤالات	۲۲	۰/۹۲۹
انسجام اجتماعی	۵	۰/۹۴۳			

یافته‌های تحقیق

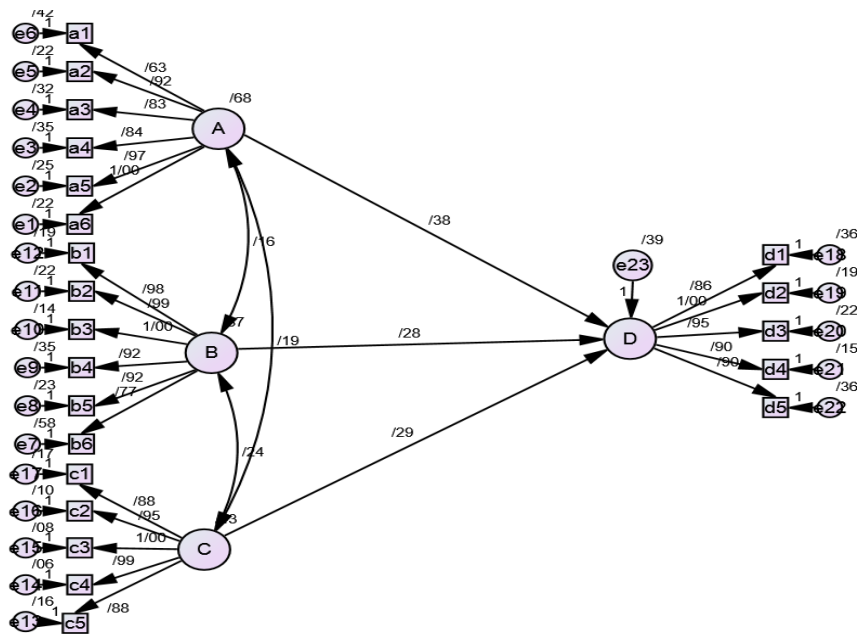
نتایج توصیفی با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان داد از نمونه تحقیق ۶۵/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۳۴/۷ درصد زن هستند و این نتیجه تصادفی بودن نمونه را بیشتر نمایان می‌کند. اغلب افراد تشکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی دارای تحصیلاتی در حد کارشناسی ارشد هستند. ۲۱/۶ درصد پاسخگویان بین بیست تا سی ساله و ۴۷/۱ درصد آن‌ها بین سی و یک تا چهل ساله هستند و این آمار بیانگر آن است که بیش از نیمی از پاسخگویان جوان‌اند. از لحاظ توزیع فراوانی شبکه‌ها، بر حسب تعداد، اعضای مؤسس تشکل‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های خیرین و اجتماعی بیشترین عضو و شبکه‌های فرهنگ و هنر و منابع طبیعی و محیط زیست کمترین عضو را دارند. از لحاظ توزیع فراوانی پاسخگویان، بر حسب شهر، نمایندگی‌های استان مرکزی ۳۷/۴ درصد و شهر اراک ۱۷/۸ درصد کل پاسخگویان را تشکیل می‌دهند.

آمار استنباطی

در این پژوهش، از نرم‌افزار آموس استفاده شد و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری روش چندمتغیره تحلیل عاملی تأییدی اجرا شد. بر اساس خروجی آموس جدول ۲، تحلیل عاملی همه سؤالات (گویه‌ها) با بار عاملی مثبت و بالای ۰/۵ و با $P\text{-Value} = 0$ تأیید شدند. چون بار عاملی از ۰/۵ یا ۰/۶ (سخت‌گیرانه) بیشتر است، قابل قبول است. شاخص «مقدار احتمال یا میزان معناداری» ($P\text{-Value}$) آن‌ها صفر (سه ستاره) است. میزان تخمین ضریب مسیر در فرضیه اول ۰/۳۷، در فرضیه دوم ۰/۲۸ و در فرضیه سوم ۰/۲۹ هستند و هر سه مثبت و بالای ۰/۱ می‌باشند. بر این اساس، تحلیل عاملی همه سؤالات تأیید شد. در نتیجه می‌توان گفت هر سه فرضیه تأثیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی بر مردم‌سالاری مورد تأیید است. به استناد این تحلیل، فرضیه اصلی تأثیر سرمایه اجتماعی تشکل‌های مردم‌نهاد بر مردم‌سالاری نیز اثبات می‌شود. $\text{Chi-Square} = 542/572$ و $Df = 203$ (درجه آزادی) می‌باشند (کای اسکور نباید از سه برابر درجه آزادی، بیشتر باشد).

جدول ۲. بار عاملی

برچسب	میزان معناداری	نسبت قطعی	ضریب مسیر	تخمین		
فرضیه اول	***	۷/۶۲۳	۰/۰۵۰	۰/۳۷۸	A= اعتماد	<---
فرضیه دوم	***	۳/۵۷۱	۰/۰۷۹	۰/۲۸۲	B= مشارکت	<---
فرضیه سوم	***	۴/۰۹۹	۰/۰۷۲	۰/۲۹۴	C= انسجام	<---
a1	***	۱۳/۶۰۱	۰/۰۴۶	۰/۶۳۱	A	<---
a2	***	۲۱/۴۲۴	۰/۰۴۳	۰/۹۱۶	A	<---
a3	***	۱۸/۲۹۶	۰/۰۴۵	۰/۸۲۵	A	<---
a4	***	۱۷/۸۵۴	۰/۰۴۷	۰/۸۳۸	A	<---
a5	***	۲۱/۳۸۲	۰/۰۴۵	۰/۹۶۷	A	<---
a6				۱/۰۰۰	A	<---
b1	***	۱۸/۷۸۰	۰/۰۵۲	۰/۹۷۹	B	<---
b2	***	۱۸/۱۵۱	۰/۰۵۴	۰/۹۸۵	B	<---
b3				۱/۰۰۰	B	<---
b4	***	۱۵/۰۰۴	۰/۰۶۱	۰/۹۱۹	B	<---
b5	***	۱۷/۰۲۰	۰/۰۵۴	۰/۹۱۵	B	<---
b6	***	۱۰/۶۲۲	۰/۰۷۲	۰/۷۷۰	B	<---
c1	***	۲۲/۵۳۲	۰/۰۳۹	۰/۸۷۶	C	<---
c2	***	۲۸/۴۰۴	۰/۰۳۴	۰/۹۵۵	C	<---
c3				۱/۰۰۰	C	<---
c4	***	۳۲/۸۳۱	۰/۰۳۰	۰/۹۸۸	C	<---
c5	***	۲۳/۲۹۴	۰/۰۳۸	۰/۸۸۴	C	<---
d1	***	۱۸/۵۵۶	۰/۰۴۷	۰/۸۶۳	D	<---
d2				۱/۰۰۰	D	<---
d3	***	۲۲/۸۵۴	۰/۰۴۲	۰/۹۵۳	D	<---
d4	***	۲۴/۲۶۹	۰/۰۳۷	۰/۹۰۰	D	<---
d5	***	۱۹/۰۹۳	۰/۰۴۷	۰/۹۰۲	D	<---



نمودار ۶. مدل معادله ساختاری

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

نوع شاخص	علامت اختصاری	معادل فارسی	دامنه قابل قبول	مدل تدوین شده
تطبیقی	CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰.۹۰ - ۱	۰/۹۴
	TLI	شاخص توکر- لویس	۰.۹۰ - ۱	۰/۹۳
	PNFI	شاخص برازش هنجار شده مقتصد	۰.۵۰ - ۱	۰/۸۰
مقتصد	PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	۰.۵۰ - ۱	۰/۸۳
	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰ - ۰/۰۸	۰/۰۶
	CMIN/DF	کای اسکوتر به هنجار شده	کمتر از ۵	۲/۶۷
مطلق	CMIN	مقدار کای اسکوتر	وابسته به حجم نمونه	۵۴۲/۵۷
	RMR	ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده	کمتر از ۰/۱	۰/۰۳

خروجی آموس جدول ۳ نشان‌دهنده آن است که شاخص‌های برازش تطبیقی و توکر- لویس (شاخص‌های نکویی برازش) در حد مطلوب‌اند. در الگوی مورد بررسی، شاخص $CFI = ۰/۹۴$ و

شاخص $TLI=0/93$ است که حاکی از قابل قبول بودن مدل است. در الگوی مورد بررسی، از بین شاخص‌های مقتصد، شاخص $PNFI=0/80$ و شاخص $PCFI=0/83$ است که از شاخص‌های نکویی برازش و نشان‌دهنده مطلوب بودن مدل‌اند. از بین شاخص‌های مقتصد، شاخص $RMSEA=0/06$ و شاخص $CMIN/DF=2/67$ است که از شاخص‌های بدی برازش و نشان‌دهنده قابل قبول بودن مدل است. از بین شاخص‌های برازش مطلق، شاخص $CMIN=542/57$ و شاخص $RMR=0/03$ نیز از شاخص‌های بدی برازش و مقادیر کمتر این دو شاخص نشان‌دهنده برازش بهتر داده‌هاست. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مدل انتخاب‌شده از لحاظ معیارهای برازش وضعیت خوبی دارد. نتایج استنباطی تأثیر مثبت و معنادار سه بُعد از ابعاد سرمایه اجتماعی بر مردم‌سالاری را نشان می‌دهد. تأثیر تأییدشده این سه بُعد مستقیم است. به ترتیب، بیشترین تأثیر مربوط به اعتماد اجتماعی، سپس انسجام اجتماعی، و در آخر مشارکت اجتماعی ارزیابی شد.

بحث و نتیجه

دستیابی به پیشرفت و توسعه سیاسی و مردم‌سالاری مستلزم حضور مردم است و این وضعیت در صورتی ممکن می‌شود که روحیه اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، و انسجام اجتماعی به شکلی مدرن و از طریق تشکل‌های مردم‌نهاد در مردم نهادینه شود و همه در تحقق آن دلسوزانه دخالت کنند. امروزه، در کشورهای در حال توسعه، مسئولان جامعه جهت انباشت سرمایه اقتصادی، سرمایه انسانی، و سرمایه اجتماعی تلاش می‌کنند. جامعه‌ای که اندوخته‌های مناسب از این سه نوع سرمایه در خود ذخیره کند به راحتی می‌تواند گام‌های مؤثر به سوی مردم‌سالاری بردارد. نتایج این پژوهش نشان داد، مطابق فرضیه‌های تحقیق، سه شاخص سرمایه اجتماعی بر مردم‌سالاری تأثیر مثبت و معنادار می‌گذارد. محققان به این نتیجه رسیدند که در تشکل‌های مردم‌نهاد استان مرکزی اعتماد اجتماعی مؤثرتر از انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی مؤثرتر از مشارکت اجتماعی است. نیز اعتماد اجتماعی بر مردم‌سالاری تأثیر بیشتر و مشارکت اجتماعی نسبت به بقیه متغیرها بر مردم‌سالاری تأثیر کمتری می‌گذارد. البته تفاوت محسوسی موجود نیست. به طور کلی، نتایج تحقیق نشان داد سرمایه اجتماعی بر مردم‌سالاری تأثیر مستقیم و معنادار می‌گذارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین هم‌سو هستند؛ با این تفاوت که در این تحقیق به اعتماد و مشارکت و

وحدت درونی تشکلهای مردم‌نهاد بیشتر توجه شد و نقش و اهمیت حضور آنها در جامعه نمایان‌تر شد. محققان در این تحقیق هم از پرسشنامه باز استفاده کردند هم از پرسشنامه بسته. نیز از نظرها، پیشنهادها، و تجربیات پاسخگویان بهره گرفتند و با استفاده از نرم‌افزار آموس و مدل‌سازی معادلات ساختاری روش چندمتغیره تحلیل عاملی تأییدی را به کار گرفتند و به کمک نرم‌افزار SPSS شاخص‌هایی توصیفی به دست آوردند و به نتایجی رسیدند که در ادامه می‌آید: ماهیت شکل‌گیری و ادامه فعالیت تشکلهای مردم‌نهاد بر اساس اعتماد است. این تشکلهای از نیروهای داوطلب و کمک‌های مردمی و از سرمایه اعتماد مردم برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند. ناگزیر باید بتوانند به نحو مطلوب خود را به گروه‌های ذی‌نفع معرفی کنند و از همکاری و حمایت و پشتیبانی آنها بهره‌مند شوند و با گفت‌وگو و ایجاد رابطه و تشویق افراد ارتباطی شایسته با آنها برقرار کنند و از این طریق تشکلهای را گسترش دهند و نهادینه کنند. آنها باید وجهه مردمی خود را حفظ و از رانت‌خواری پرهیز کنند و باعث افزایش اعتماد مردم شوند. صداقت و راستگویی و شفافیت عمل و رعایت اخلاق و انصاف در تشکلهای موجب افزایش اعتماد و در نتیجه مردم‌سالاری می‌شود. اعتبار یک جامعه در سطح جهانی با میزان مشارکت اعضای آن در تصمیم‌گیری ارتباط دارد. باید از فرصت‌های تصمیم‌گیری و انتخابات حداکثر استفاده را برد. باید از افرادی که در زمینه سیاست‌های داخلی و خارجی طرح‌ها و برنامه‌های روشنی دارند نهایت بهره را برد و از استعدادهاى نهفته آنها کمک گرفت. در صورتی که شبکه‌های مختلف تشکلهای با هم همکاری و رقابت داشته باشند، تشکلهای رونق می‌یابند و پویا خواهند شد. با پراکنده شدن افراد ناامیدی و عدم مشارکت افزایش می‌یابد. در نتیجه مردم‌سالاری تنزل می‌کند. تشکلهای مردم‌نهاد باید از نیروهای جوان و مستعد و به‌ویژه فعال استفاده کنند و از تجربه افراد پیش‌کسوت در جهت کمک به جوانان یاری جویند و زمینه را برای تعامل بیشتر این دو قشر فراهم آورند. باید شایستگی، توانایی، مدیریت، کوشش، و تعهد اولویت داشته باشد و از افراد توانمندی که چنین ویژگی‌هایی دارند استفاده شود. باید در سطح استان مرکزی فرصت مشورت تحت ریاست تشکلهای مردم‌نهاد استان برای همه متفکران و مدیران شبکه‌ها به وجود آید تا در طرح‌های کلان‌کشوری و مسائل اجتماعی و سیاسی و ... پیشنهادها و انتقادهای خود را آزادانه ارائه دهند و تبادل نظر کنند. با توجه به اینکه سازمان‌های

مردم‌نهاد تأثیری بسزا بر مردم‌سالاری می‌گذارند ضروری است در مذاکرات از آگاهی و اطلاعات کافی برخوردار باشند و اطلاعات خود را به‌روز کنند. پس ضروری است سازمان‌های مردم‌نهاد ارتباط خود را با سه بخش به‌طور دائم حفظ کنند تا با توجه به ساختار خود تأثیرگذاری بهینه‌تری داشته باشند: ۱. همکاری و تعامل با سازمان‌های دولتی و ساختار حکومت؛ ۲. همکاری و تعامل با شبکه‌های مختلف سازمان‌های غیر دولتی (مردم‌نهاد)؛ ۳. همکاری و تعامل با آحاد مردم. با توجه به نقش مهم و مؤثر تشکل‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های دولتی باید با این تشکل‌ها رابطه و تعامل بیشتر و گسترده‌تری برقرار کنند و در خصوص برنامه‌ها، فعالیت‌ها، و مسائلی که در سازمان به وجود می‌آید تبادل اطلاعات کنند. دبیران تشکل‌های مردم‌نهاد باید با ایجاد انگیزه در اعضای تشکل و هماهنگی و نظارت و برنامه‌ریزی و ایجاد فضای صداقت در هر چه منسجم‌تر شدن تشکل‌ها تلاش کنند. حضور و فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد در اجتماع و معرفی آن‌ها از طریق نشریات و جلسات سخنرانی و تبلیغات و پایبندی آن‌ها به باورهایشان تأثیری بسزا بر مشارکت مردم می‌گذارد. همگنی و انسجام تشکل‌های مردم‌نهاد موجب شرکت بیشتر مردم در انتخابات و افزایش درصد آرای آن‌ها و در نتیجه مردم‌سالاری می‌شود.

پیشنهاد

در نهایت، محقق پیشنهاد می‌کند: ۱. تشکل‌های مردم‌نهاد به منظور هدایت منافع افراد و گروه‌های مختلف و پیوند دادن آن‌ها به ساختار حکومت جهت تقویت احساس همبستگی بیشتر با ارزش‌های اساسی دولت افزایش یابند و تقویت شوند؛ ۲. روابط اجتماعی میان افراد جامعه تقویت شود و آگاهی آنان افزایش یابد؛ ۳. تشکل‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های مختلف تشکیل شوند و بسط و گسترش یابند و تقویت شوند و افراد بیشتری را فراخوانند و درباره کارکرد خود اطلاع‌رسانی کنند تا مردم از آن‌ها حمایت کنند.

از محدودیت‌های این پژوهش این بود که افراد از بیان نظر و خواسته واقعی خود واهمه داشتند و از عواقب سیاسی-اجتماعی آن کناره‌گیری می‌کردند و مشتاق همکاری نبودند و این موضوع محققان را با مشکلات عدیده روبه‌رو کرد.

منابع

۱. ازکیا و دیگران (۱۳۸۹). نظریه‌های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه، تهران، علم.
۲. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
۳. بتسیل، میشل ام؛ الیزابت گِرل (۱۳۹۶). دیپلماسی سازمان‌های مردم‌نهاد: تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد بر مذاکرات بین‌المللی زیست‌محیطی، پژوهش و ترجمه سبحان طیبی و رضا عرب‌چادگان.
۴. بوستانی، داریوش (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی در ایران»، سیاست‌های توسعه اجتماعی، ج ۳، ف ۳، صص ۶۱-۸۳.
۵. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران، نشر روزنامه سلام.
۶. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه‌های اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، و توسعه، نوشته رابرت پاتنام و دیگران، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
۷. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک، رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. حسینی، حسین (۱۳۹۴). «سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی ایران»، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی، و علوم اجتماعی، تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما، صص ۱-۱۵.
۹. خامنه‌ای، علی (رهبر جمهوری اسلامی ایران) (۱۳۸۶). انسجام اسلامی، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، سید علی خامنه‌ای، تدوین: مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز نشر انقلاب اسلامی.
۱۰. _____ (۱۳۹۰). الگوی اسلامی- ایرانی، پیشرفت از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، به اهتمام امیر سیاه‌پوش، به کوشش مرکز پژوهش‌های علوم انسانی، صدا، تهران، انقلاب اسلامی.
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ج ۲ و ۱۸.

۱۲. رحمانی، محمود؛ کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷). اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش‌های دولتی و خصوصی، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم.
۱۳. سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۱). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۴. شفیعی‌فر، محمد (۱۳۸۴). «دموکراسی و عدالت اجتماعی»، مطالعات راهبردی، بهار، ش ۲۷، س ۸.
۱۵. صنعتی، رضا (۱۳۸۹). گفتمان مصباح: گزارشی از زندگانی علمی و سیاسی آیت‌الله مصباح، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. عظیمی، هاجر (۱۳۹۱). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)»، علوم اجتماعی، ش ۵۹، صص ۹۱-۱۳۵.
۱۷. غفاری، غلام‌رضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت نظامی، {برای} سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۸. فتح‌آبادی، غلام‌رضا و دیگران (۱۳۹۴). سازمان‌های مردم‌نهاد استان مرکزی، اراک، دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری، خانه سازمان‌های مردم‌نهاد استان مرکزی.
۱۹. فتحی، کوروش؛ سکینه واحد چوکده (۱۳۸۵). «شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسط نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن»، نوآوری‌های آموزشی، ش ۱۷، س ۵.
۲۰. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران، اطلس.
۲۱. قدیمی، مهدی (۱۳۸۶). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۳، صص ۶۱-۹۲.
۲۲. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
۲۳. لیپست، سیمون مارتین (۱۳۸۳). دایرة المعارف دموکراسی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ج ۲.
۲۴. محسنی، منوچهر؛ عذرا جاراللهی (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران، تهران، آرون.

۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). «نظریه سیاسی اسلامی»، تحقیق و نگارش: کریم سبجانی، چ ۵، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
۲۶. معماریان، امید (۱۳۸۳). مهارت‌های ارتباطی و سازمان‌های غیر دولتی، تهران، برگ زیتون.
۲۷. میرابراهیمی، روزبه (۱۳۸۱). «شهروند دموکراتیک لازمه تحقق دموکراسی»، همبستگی، ص ۸.
۲۸. نیوتون، کنث؛ جان ون دث (۱۳۸۹). مبانی سیاست تطبیقی دموکراسی‌های دنیای نوین، ترجمه خلیل‌الله سردارنیا، تهران، دانشگاه شیراز.

References

1. Azimi, Hajar (2012). Investigating the Relationship between Social Capital and Democratic Citizenship. A Case Study: Students of Tehran University. *Social Science Quarterly*, No. 59, pp. 91-135. (in Persian)
2. Azkia et al. (2010). *Contemporary Social Theories with a Development Approach*. Tehran: Science Publishing. (in Persian)
3. Betsill, Michelle M. & Elizabeth Corell (2017). *NGOs Diplomacy: The Impact of NGOs on International Environmental Negotiations*. Translated into Persian by Sobhan Tayebi and Reza Arab Chadegani.
4. Blair, Harry (1997). *Donors, Democratization and Civil Society: Relating Theory to Practice, States and Donors*. New York, Martins Press.
5. Bustani, Dariush (2007). Social Capital and Political Development in Iran. *Social Development Policies*, Volume III, Chapter Three, pp. 61-83. (in Persian)
6. Butcher, Jim (2007). *Ecotourism, NGOs and Development*. Routledge, 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX 14 4RN.
7. Coleman, James (1998). *Foundations of Social Theory*. Translated into Persian by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney Publishing.
8. Desai, Manali (2007). *State Formation and Radical Democracy in India*. Routledge, 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX 14 4RN.
9. Fath-Abadi, Gholamreza et al. (2015). *Markazi Provincial People's Organizations*. Arak: Governor's Office of Social and Cultural Affairs. Markazi Provincial People's Organizations Home. (in Persian)
10. Fathi, Kouros & Sakine Vahed Chukade (2006). Identifying Citizenship Injuries in a Hidden Curriculum: A Theoretical Secondary Education System from the Perspective of Female Teachers in Tehran and Providing Solutions to Improve Its Status. *Journal of Educational Innovation*, No. 17, Fifth Year. (in Persian)
11. Fukuyama, Francis (2000). *The End of Order, Social Capital and Its Preservation*. Translated into Persian by Gholam Abbas Tavassoli, Tehran: Atlas.
12. Gerber, A. S. & Rogers, T. (2009). Descriptive Social Norms and Motivation to Vote: Everybody's Voting and so Should You. *The Journal of Politics*, 71(1), pp. 178-191.

13. Ghadimi, Mehdi (2007). Investigating the level of social trust and the factors affecting it among students of Zanjan universities. *Research Journal of Humanities*. No. 53, pp. 61-92. (in Persian)
14. Ghafari, Gholamreza (2011). *Social Capital and Military Security, {for} NAJA*. Tehran: Sociology Publications. (in Persian)
15. Goodin, Robert E. & Philip Pettit (1993). *A Companion to Contemporary Political Philosophy*. Copy right © Basil Blackwell Ltd Editorial Organization -USA- Blackwell Publishers.
16. Hassani, Hossein (2015). Social Capital in Iranian Political Development. International Conference on Humanities. Psychology and Social Sciences, Tehran: *Center for International Conferences of IRIB*, pp. 1-15. (in Persian)
17. Hyungjun, Suh (2001). Correlation between Social Capital and Political Participation: Considering National Economic, Political. *Development and Economic Inequality*. University of Arizona, pp. 1-28.
18. Inglehart, Ronald (1994). *Cultural change in the advanced industrial society*. translated by Maryam Vetter, Tehran: Kavir Publications.
19. Jackman, Robert W. & Ross A. Miller (1998). Social Capital and Politics. *Annu, Rev, Polit, Sci*, 1: pp. 47-73.
20. Johnston, L. D, Bachman. J. G., & Malley, P. O (1993). *Monitoring The Future: Questionnaire Responses from The Nation's High School Seniors 1991*. Ann Arbor. MI: Institute for social research.
21. Khamenei, Ali (Leader of the Islamic Republic of Iran) (2007). *Islamic Cohesion, Statements by the Supreme Leader of the Islamic Revolution*. Sayed Ali Khamenei, Edited by: The Islamic Revolution Cultural Research Institute, Tehran: Islamic Revolution Publishing Center. (in Persian)
22. ----- (2011). *The Islamic-Iranian Model of Progress From the Perspective of the Supreme Leader of the Islamic Revolution*. by Amir Siahpoush, at the Sadra Center for Humanities Research, Tehran: Islamic Revolution. (in Persian)
23. Khomeini, Ruhollah (1999). *Sahifa Imam*. Volumes 18 and 2, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)
24. Leighninger, Matthew (2006). *The Next Form of Democracy: How Expert Rule is Giving Way to Shared Governance- and Why Politics will Never be the Same*. Vanderbilt University Press.
25. Levine, Caroline (2007). *Provoking Democracy: Why We Need the Arts*. Blackwell Publishing Ltd.
26. Lipset, Seymour Martin (2004). *Encyclopedia of Democracy*. Volume II, Tehran: State Department Publications.
27. Memarian, Omid (2004). *Communication Skills and NGOs*. Tehran: Olive Leaf. (in Persian)
28. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2012). *Islamic Political Theory*. Research and Writing: Karim Sobhani, Volume One, Fifth Edition, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. (in Persian)

29. Mirebrahimi, Roozbe (2002). A Democratic Citizen Required for the Realization of Democracy. *Solidarity Magazine*, 8. (in Persian)
30. Misztal, Barbara A. (1997). *Trust in Modern Societies*. Oxford: Blackwell.
31. Mohseni, Manouchehr & Jarollahi, Ozra (2003). *Social Participation in Iran*. Tehran: Aron. (in Persian)
32. Newton, Kenneth & John Wen Duth (2010). *Fundamentals of Comparative Politics of New World Democracies*. Translated into Persian by Khalil al... Sardarnia, Tehran: Shiraz University.
33. Putnam, Robert (2001). *Democracy and Civic Traditions (Italian Experience and Lessons for Transitioning Countries)*. Translated into Persian by Mohammad Taghi Delafrouz, Tehran: Salam daily.
34. Rahmani, Mahmoud & Kawousi, Esmaeil (2008). *Measuring and Comparing Social Capital in Public and Private Sectors*. Tehran: Islamic Azad University Research Office, Science Development Office. (in Persian)
35. Rice, Tom W. & Jeffrey Ling (2002). Democracy, Economic Wealth and Social Capital: Sorting out the Causal Connection. *Space & Polity*, Vol. 6, No. 3, pp. 307-325.
36. Saeedi, MR. (2012). *An Introduction to Public Participation and Non-Governmental Organizations*. Tehran: University Humanities Textbooks Study (Position), Humanities Research and Development Center. (in Persian)
37. Sanati, Reza (2010). *Mesbah Discourse: A report on the scientific and political life of Ayatollah Mesbah*. Second Edition, Tehran: Islamic Revolutionary Documentation Center. (in Persian)
38. Shafiei Far, Mohammad (2005). Democracy and Social Justice. *Strategic Studies Quarterly, Spring*. No. 27, Eighth Year. (in Persian)
39. Tajbakhsh, Kian (2005). *Social Capitals: Trust, Democracy and Development*. by Robert Putnam et al. Translated into Persian by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan, Tehran: Shiraze Press. (in Persian)
40. Tavassoli, Gholam Abbas (2003). *Social Participation in Anomic Conditions of the Relationship of Social Injuries and Deviations with Social Participation*. Tehran: Tehran University Press and Publishing Institute. (in Persian)
41. Teney, Celine & Laurie Hanquinet (2012). High Political Participation, High Social Capital? A relational analysis of youth social capital and political participation. *Wissenschaftszentrum Berlin für Sozialforschung & the University of York*, pp. 1-35.